



اهداف کلان دین در عرصه تبلیغ

عبدالکریم تبریزی

طلیعه

تبلیغ آموزه‌های دین از ضروری‌ترین عوامل پایداری و تداوم آیین توحیدی اسلام است و اطلاع رسانی در زمینه معارف و برنامه‌های مکتب حیات بخش اسلام، مهم‌ترین راهکار نشر و توسعه اندیشه‌های مذهبی و دینی می‌باشد.

اهمیت تبلیغ چنان در آموزه‌های دینی ریشه دوانیده است که رهبر جهان اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله یکی از اهداف والای بعثت خود را تبلیغ دین بیان می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُبَلِّغًا؛^۱ همانا من

برای تبلیغ [آیین توحیدی اسلام]

مبعوث شده‌ام.»

و امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَنْبِيَا السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ؛^۲ درود بر تو ای مبلغ خدایی و درود بر تو ای چراغ فروزان [تبلیغ و هدایت]!»

با توجه به جایگاه والای تبلیغ و

۱. سنن بیهقی، احمد بیهقی، نشر دارالفکر،

بیروت، ج ۷، ص ۳۸.

۲. اقبال الاعمال، علی بن موسی بن طاووس،

نشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ق، ص

۶۰۴

مطمئناً در جان و دل آدمی رسوخ می‌کند و به باورهای تغییرناپذیر بدل خواهد شد. در نتیجه، رفتارهای فردی به سمت ارزشها و اصول حقیقی سوق داده شده و انسان عملاً در عرصه دینی و مذهبی وارد گردیده، مراحل سه‌گانه ایمان در وجود متریان جلوه‌گر خواهد شد.

در این صورت، تربیت یافتگان مکتب تبلیغی اسلام این سخن پیامبر ﷺ را جامه عمل خواهند پوشانید که فرمود: «الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛^۱ ایمان [کامل] اقرار زبانی [به وحدانیت خداوند] و شناخت قلبی و رفتار [طبق آن معرفت] می‌باشد.»

در تربیت انسانها، اول باید ارزشها و سپس ضد ارزشها را شناساند و انسان دارای اندیشه را در مقابل انتخاب ارزشها و ضد ارزشها مخیر کرد و در عین حال، از امتیازات ارزشها و کمالات آن سخن گفت و از عواقب شوم تمایل به سوی ضد ارزشها

نقش آن در گسترش و پاسداری از مرزهای عقیدتی و باورهای وحیانی اسلام، در این نوشتار به اهداف، دغدغه‌ها و انگیزه‌های دین در عرصه تبلیغ و اطلاع رسانی می‌پردازیم و آن را در سه محور بررسی می‌کنیم.

الف. تعلیم و تربیت

اساسی‌ترین محور تبلیغ در هدایت جامعه، شناساندن ارزشهای الهی و انسانی و شکوفا کردن بذر آن در دل‌های مشتاق و در نتیجه، رساندن به مقام عمل و رفتار با معیارهای خدایی است. مبلغان که در حقیقت مربیان و پرورش دهندگان افراد به سوی کمال و قرب الهی هستند، در نخستین گام تبلیغ تلاش می‌کنند تا انسانها را در مسیر سعادت و خوشبختی قرار داده و با هدایت و تربیت آنان، خصلت‌های والای انسانی را در وجودشان تقویت کرده، روابط آنان را با دیگر افراد و همچنین با آفریدگار هستی به نحو شایسته‌ای تنظیم نمایند.

در راستای تبلیغ و تربیت اگر ایمان به خداوند از روی معرفت عمیق و اطلاعات حقیقی صورت پذیرد،

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۶۶.

آگاهی بخشید.

خداوند متعال در سوره جمعه یکی از دغدغه‌ها و اهداف تبلیغ دینی را تربیت انسانهای مستعد اعلام می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱ «او چنان خدایی است که در میان مردم درس نخوانده، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیات خدا را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه [و تربیت] می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد؛ گرچه قبل از آن در گمراهی آشکاری به سر می‌بردند.»

و در سوره آل عمران ضمن اشاره به فلسفه بعثت انبیاء و بزرگ‌ترین رسالت آنان که ابلاغ پیام الهی به گوش جهانیان می‌باشد، تربیت انسانهای کمال یافته را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تبلیغ قلمداد کرده، می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۲ «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [و نعمت

بزرگی را عنایت کرد] به جهت اینکه در میان آنان فرستاده‌ای از خود مردم مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنان را تزکیه [و تربیت] کند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد.»

دین می‌کوشد تا با تبلیغات وسیع آموزه‌های خود، انسانها را تربیت کند و مبلغان دینی که در رأس آنان رسول گرامی اسلام ﷺ قرار دارد، به این دغدغه دینی در حد توان پاسخ گفته و در این عرصه، کوششهای فراوانی کرده‌اند که در اینجا به قسمتهایی از آن اشاره می‌کنیم:

بدون تردید یکی از معجزه‌های پیامبر اکرم ﷺ در عرصه تبلیغ، پیشرفت سریع آن حضرت در امر تربیت انسانهای عصر جاهلیت که به شدت از فقر فرهنگی رنج می‌بردند، بوده است. تبلیغات مداوم و شبانه روزی رسول خدا ﷺ چنان بود که آدمیان بی‌فرهنگ، ماجراجو، متکبر، لجوج و مغرور را از حضيض ذلت به اوج عزت رسانید.

۱. جمعه / ۲.

۲. آل عمران / ۱۶۴.

محروم شده بودند و زنده به گور می‌گردیدند، رسول خدا ﷺ با اراده‌ای فولادین و استقامتی بی‌نظیر به تربیت انسانهایی همت گماشت که در تمام طول تاریخ اسوه و الگو گردیدند. آنان در تحولی اعجاب‌انگیز کار را به جایی رساندند که در تاریخ تأثیرگذار شدند و سرنوشت اقوام و ملل را تغییر دادند.

علی‌السلام یکی از تربیت یافتگان مکتب تبلیغی پیامبر اسلام ﷺ و موفق‌ترین الگوی مبلغان اسلامی در عصر نبوت است. او رسالت تبلیغی دین را چنان عملی ساخت که مخاطبانش تا آخرین لحظات زندگی همچنان تحت تأثیر گفتار و رفتار آن حضرت بودند.

تبلیغ در یمن

یکی از برنامه‌های تبلیغی علی‌السلام که رهاوردهای مثبت فراوانی برای اسلام داشت، سفر تبلیغی آن حضرت به کشور یمن می‌باشد. شیخ مفید می‌گوید:

«خالد بن ولید از سوی پیامبر ﷺ برای تبلیغ دین اسلام به یمن اعزام شد. او به همراه گروهی از مسلمانان مدینه

مکتب تبلیغی - تربیتی دین اسلام به آنان که در مدیریت کوچک‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده خود وامانده بودند، چنان توانایی روحی و فکری بخشید که بر پادشاهان مقتدر عصر مسلط شدند و کاخهای باشکوه دنیا را تسخیر کردند و در مدت کوتاهی به اداره کشورها و جوامع پرداختند و رسول خدا ﷺ در اثر تبلیغ راستین خود، از انسانهای راه‌گم کرده چنان مردمان باکمالی ساخت که فرشتگان به آنان سلام فرستادند و به مقامشان رشک بردند.

در عصری که جهالت، غارتگری، فساد و بی‌بندوباری و کشت و کشتار با بهانه‌های واهی تمام منطقه عربستان را فراگرفته بود و فضای زشت و غیر انسانی در آن ناحیه، کمالات و فضائل اخلاقی و انسانی را تحت الشعاع قرار داده بود، اعراب جاهل در مقابل چوبهای خشکی به طور شگفت‌آور عبادت و خضوع و خشوع داشتند، زنان از حقوق خود محروم مانده بودند و به عنوان کالا خرید و فروش می‌شدند، و دختران از حق حیات

علی علیه السلام سه یمن از قبیله همدان عبارت‌اند از:

محمد همدانی خادم پیامبر صلی الله علیه و آله،
حارث همدانی، سعید بن وهب
همدانی، سعید بن قیس همدانی،
ابو عمار همدانی، شریح بن نعمان
همدانی، شداد بن ازمع همدانی،
عبدالله بن خلیفه همدانی، عبدالله بن
ابی سفر همدانی، ابو اسحاق همدانی،
رفاعة بن ابی رفاعة همدانی (او
پرچمدار علی علیه السلام در روز صفین بود)^۲
و....

به این ترتیب، معلوم می‌شود که
اولین دغدغه دین در عرصه رساندن
پیام الهی و آموزه‌های وحیانی به گوش
و جان و دل مردم مشتاق و علاقه‌مند به
رشد و کمال، تربیت آنان از این راه
می‌باشد.

ب. حفظ تربیت شدگان

در انجام امر تبلیغ بعد از آنکه
نیروهای لازم تربیت یافتند، حفظ و

که براء بن عازب در رأس آنها بود،
روانه یمن گردید. شش ماه خالد بن
ولید مردم آن سامان را تبلیغ نمود؛ اما
چون شرائط یک مبلغ را رعایت
نمی‌کرد و به عوامل و زمینه‌ها و
راهکارهای لازم عنایت نداشت، بعد
از شش ماه نتیجه‌ای از کار خود
نگرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و
علی علیه السلام را به جای او برای تبلیغ اعزام
کرد. در اولین روزهای استقرار
علی علیه السلام در یمن، پارسایی، لیاقت و
کیفیت برخوردار آن حضرت، قبیله
همدان را به اسلام متمایل ساخت و در
نتیجه، آنان ایمان آوردند و به دنبال
قبیله همدان که شاخص‌ترین گروه
یمنیها بودند، سایر قبائل نیز به اسلام
گرویدند و مسلمان شدند. پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله از موفقیت‌های شایان توجه
علی علیه السلام در امر تبلیغ بی‌نهایت
خوشحال شد و بر قبیله همدان درود
فرستاد.^۱

در اثر تبلیغ علی علیه السلام یمنیها چنان
تربیت شدند که در بحرانی‌ترین زمانها
از محور حق منحرف نگردیدند.
برخی از پرورش یافتگان سفر تبلیغی

۱. ارشاد مفید، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۵.

۲. رجال شیخ طوسی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.

پاسداری از آنان امری خطیر و سرنوشت ساز است و اساساً پاسداری از نیروهای تربیت یافته کاری دشوارتر از اصل تبلیغ است. دین اسلام در این زمینه راهکارهای مناسبی به پیروان خود عرضه می‌کند.

اولین عامل حفظ تربیت یافتگان، هماهنگی گفتار و رفتار مبلغان و مربیان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ؛^۱ مردم را به غیر زبان خود [به سوی دین] فراخوانید.» رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز با این شیوه نه تنها هدایت یافتگان را در زیر پرچم اسلام نگه داشته بود، بلکه دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد و هر روز به جمع مسلمانان می‌افزود.

به این جهت، شایسته است مبلغین خود را از مردم جدا نکنند و در معاشرت با آنان و رفتار و روابط اجتماعی بیشترین توجه را داشته باشند.

عیادت از بیماران، اجابت از دعوت اهل ایمان، حضور در جلسات عمومی و مواردی که ارتباط مبلغ را با

مخاطبان تداوم می‌بخشد، دوری از تجملات، رعایت عدالت و مساوات در نوع نگرش و روابط عمومی، ابراز محبت، لبخند مسرت آفرین بر اهل ایمان، اطعام و میهمانی در حد امکان، اعطای هدیه در حد توان، پاسخ به سؤالات، تبلیغ به زبان ساده و عموم فهم، تجلیل و تکریم مخاطب و دوری از تحقیر و اهانت، حسن خلق و پرهیز از عیب‌گویی و عیب‌جویی نامناسب، تبلیغات غیر مستقیم و تحریک عواطف، از راهکارهای حفظ تربیت شدگان عرصه‌های تبلیغی دین اسلام به شمار می‌آیند و جلوه‌هایی از همراهی و هماهنگی مبلغان با مردمان مناطق مختلف می‌باشند.

برخی از شیوه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در راستای جلب، جذب و حفظ یاران این‌گونه بود:

۱. هنگام سخن گفتن تبسم می‌کرد؛ إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ.

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴.

۲. اگر با شخصی برخورد می‌کرد و دست می‌داد، حضرت دست خود را نمی‌کشید تا او خود بکشد.
۳. سخن گفتنش خیلی واضح و شفاف بود؛ به طوری که هر شنونده‌ای آن را به راحتی می‌فهمید.
۴. در عین سادگی، ظاهری آراسته، دندان‌هایی تمیز و پاکیزه و سفید داشت و رعایت پاکیزگی و تمیزی لباس و پوشش مناسب آن حضرت در برخورد با دیگران همه را به سویش جلب می‌کرد.
۵. هرگاه سه روز یکی از یاران خود را نمی‌دید، به سراغش می‌رفت.
۶. از بیماران در دورترین نقاط شهر عیادت می‌کرد.
۷. هنگام خداحافظی با مسافر، دست او را می‌گرفت و برای او دعا می‌کرد.
۸. هرگاه زکات برایش می‌آوردند، بر آورنده و خاندانش درود می‌فرستاد.
۹. مردم را با نیکوترین و خوش‌ترین نام صدا می‌زد؛ حتی نام زنان و کودکان را با کرامت و احترام صدا می‌زد و به این وسیله، دل‌هایشان را صید می‌کرد.
۱۰. آن حضرت می‌فرمود: «بُعِثْتُ لِلْعَالَمِ مَرْكَزًا وَ لِعَمَلِ مَعْدِنًا وَ لِلصَّبْرِ مَسْكَنًا؛ من مبعوث شده‌ام تا مرکز حلم و معدن علم و کانون صبر و شکیبایی باشم.»
۱۱. رمز و راز توفیق پیامبر اکرم ﷺ در تبلیغ و حفظ یاران خود، تنش‌زدایی و ایجاد اتحاد و دوستی در میان آنان بود و همواره تأکید می‌کرد که بدیهای همدیگر را پیش من بازگو نکنید! من دوست دارم با دل آرام و خالی از کینه و کدورت در نزد شما بیایم.
- همچنین از مهم‌ترین ویژگی‌های تبلیغی آن بزرگ مبلغ اسلام، حفظ اعتماد مسلمانان به وسیله امانت‌داری و صداقت و راستی بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر به راستگویی و امانت‌داری به همه کس؛ از خوب و بد.»
- و نیز عمل به وعده‌ها، اطعام به بی‌نویان، پناه دادن به گرفتاران و مصیبت زده‌ها و مشورت با یاران از دیگر شیوه‌های تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله

در جلب مردم به سوی اهداف متعالی اسلام بود.^۱

ج. اصلاح خطاکاران

سومین محور تبلیغ دینی، رسیدگی به آسیبهای روحی، معنوی و اجتماعی افراد است. بدون تردید، در میان هر قوم و ملتی افرادی یافت می‌شوند که از جاده مستقیم انسانیت به دور افتاده‌اند و همواره دچار لغزشها، خطاها و اشتباهاتی می‌شوند؛ هر چند پیش از این، تبلیغ زیادی برای تربیت آنان صورت گرفته باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ كُلَّ بَنِي آدَمَ خَطَاةٌ وَ خَيْرُ الْخَطَاةِ التَّوَابِينَ»^۲ همانا عموم مردم دچار خطا و لغزش می‌شوند، اما بهترین خطاکاران توبه‌کنندگان هستند.»

مبلغ دینی در برخورد با این‌گونه افراد باید کمال دقت را به عمل آورد و برای ترمیم روحیه آنان روشهای مناسبی برگزیند و راه حل عقلانی بیندیشد. بخشی از آیات قرآن در زمینه بازسازی و اصلاح افراد سخن می‌گوید؛ چنان‌که در سوره توبه می‌فرماید: «أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ

التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»^۳ «آیا نمی‌دانند که خداوند متعال توبه و بازگشت را از بندگانش می‌پذیرد.»

امید دادن، رفع نگرانی و استدلال عقلانی، از شیوه‌هایی است که می‌توان به وسیله آن به اصلاح افراد شکست خورده پرداخت. تغافل و حفظ آبرو و شخصیت دادن به این دسته از افراد نقش بسزایی در بازسازی روانی آنان دارد. اگر گناه و خطای شخصی را در ظاهر ندیده‌انگاریم و همانند دیگران با وی برخورد کنیم، روحیه امیدواری به آینده را در او تقویت کرده‌ایم. قرآن به ما می‌آموزد هنگامی که برادران یوسف علیه السلام با آن همه سوابق ناشایست به نزد آن حضرت آمدند، حضرت یوسف علیه السلام با برخورد کریمانه خود آنان را بخشید و به آینده امیدوار ساخت و فرمود: «لَا تُثْرِبْ عَلَيْكُمُ النَّيْمَ يُغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۴

۱. سنن النبی، سننه فی العشره، علامه محمد

حسین طباطبائی، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۷۸.

۲. سبیل السلام، ابن حجر عسقلانی، مصر،

۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۱۸۰.

۳. توبه / ۱۰۴.

۴. یوسف / ۹۲.

غیر مستقیم و دلسوزانه، تقویت نیروی ایمان و باورهای مذهبی، رفع نیازهای مادی و معنوی، از دیگر راهکارهای اصلاح و بازسازی افراد در میدانهای تبلیغی است.

با توجه به دغدغه‌های دین در سه محور یاد شده (تربیت افراد، حفظ نیروها و اصلاح خطا کاران) می‌توان به اهداف و انگیزه‌های تبلیغ در عرصه‌های دینی واقف شد.

یک مبلغ وظیفه شناس و متعهد می‌تواند با به کارگیری روشهای متناسب گاهی سرنوشت جامعه را عوض کند و با تربیت و اصلاح افراد، کشوری را نجات دهد.

این مقال را با ذکر نمونه‌ای از اثر تبلیغ صحیح دینی و نقش ارزنده آن در تغییر و اصلاح ناهنجاریهای جامعه به پایان می‌بریم:

در میان خلفای اموی، هشتمین خلیفه آنان، عمر بن عبد العزیز است.

«امروز هیچ‌گونه ملامت و توبیخی بر شما نیست. خداوند شما می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.»

آن‌گاه برای بازسازی روحی شکست خورده آنان فرمود: ﴿اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوَّةَ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾؛^۱ «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید تا سبنا شود و همه نزدیکان و افراد خانواده را نزد من بیاورید.»

اگر قرار است برخی لغزشها و عیوب را به افراد بگوییم، بهتر است قبل از تذکر، مقدمه چینی کنیم و از خوبیهایشان بگوییم، مقام و کرامت انسان را یاد آور شویم و آن‌گاه لغزش آنان را به آنها گوشزد کنیم. علی علیه السلام فرمود: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا بِالْمَغْصَبَةِ»^۲ آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد، آن را با گناه، پست و ذلیل نخواهد کرد.»

آری، احیای روحیه عزت نفس و کرامت انسان، می‌تواند از تکرار لغزش و خطاهای افراد جلوگیری کند.

توجه به ریشه‌ها و عوامل خطاها و لغزشها و سعی در رفع آنها، موعظه

۱. همان / ۹۳.

۲. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

خداوند متعال بعد از آنکه از اهل بدر راضی شد، به آنان غضب کرده است؟ گفتم: مگر علی از اهل بدر بود او پاسخ داد: فرزندم! مگر به غیر از علی کس دیگری هم فاتح بدر محسوب می شود! تمام پیروزیهای جنگ بدر مرهون زحمات و تلاشهای علی علیه السلام است. گفتم: دیگر تکرار نمی کنم. گفت: تو را به خدا سوگند! دیگر تکرار نخواهی کرد؟ گفتم: بلی، قول می دهم که دیگر لعن را تکرار نکنم.

این سخن در روحیه من اثر گذاشت و بعدها سخنان پدرم نیز مرا روشن تر کرد تا اینکه با خداوند عهد کردم اگر حکومت به دست من افتاد، این پدیده شوم و سنت غلط را به یک روش نیکو تبدیل کنم.^۱

بدین ترتیب، وقتی حکومت به دست عمر بن عبدالعزیز افتاد، دستور داد خطبا و سخنرانان به جای لعن علی علیه السلام، آیه ۹۰ از سوره نحل را قرائت کنند.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۵۹.

او در اثر تبلیغ یک عالم دلسوز و متعهد توانست تحول درونی یافته، در ظاهر خدماتی را به جامعه ارائه کند و برخی از سنتهای باطل را از میان بردارد. از جمله این سنتهای باطل، سب و لعن علی علیه السلام در بالای منابر بود که از زمان معاویه ابداع شده بود. او این شیوه نادرست را در اثر تأثیرپذیری از یک مبلغ راستین برانداخت. عمر بن عبد العزیز در این مورد می گوید:

من در دوران نوجوانی، در نزد یکی از معلمان قرآن - که از فرزندان عتبه بن مسعود بود - آموزش می دیدم. او روزی مرا دید که در میان بچه ها بازی می کردم و علی علیه السلام را لعن و ناسزا می گفتم.

هنگامی که در کلاس درس وی حاضر شدم، به من بی اعتنائی کرد. احساس کردم که اعتراضی به من دارد و از دستم ناراحت است.

گفتم: استاد! شما را چه شده که امروز این گونه با من رفتار می کنید؟ او گفت: پسرم! تو هنوز علی علیه السلام را لعن می کنی؟ گفتم: بلی، مگر چه ایرادی دارد؟ او گفت: تو از کجا فهمیدی که